

تحریم‌های بین‌المللی و شرق‌گرایی در روابط خارجی ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۲)

سعید میر ترابی^۱، محمد وردی زاده کهواده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۷

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روابط سیاسی و اقتصادی کشور با جهان خارج دچار تحول گسترده‌ای شد که این تحول تا اندازه زیادی در تغییر ساخت و ماهیت نظام سیاسی پس از انقلاب، ریشه داشت. سیاست‌گرایی به شرق در همین راستا در روابط خارجی کشور در دوره پس از انقلاب تقویت شد. این مقاله تلاش دارد فراتر از این موضوع و با نگاه از بیرون و از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل، تأثیر تحریم‌های بین‌المللی در گرایش به شرق در سیاست خارجی کشورمان را بررسی کند. در همین راستا، پرسش اصلی مقاله این است که تحریم‌های بین‌المللی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۲، چگونه گرایش به شرق در مناسبات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده است؟ فرضیه‌ای که مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تبیینی مورد آزمون قرار داده، این است که «تحریم‌های متعاقب بین‌المللی علیه کشور در پنج حوزه مختلف در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۲، از طریق تشدید موانع مناسبات با غرب، نخبگان تصمیم‌گیر در روابط خارجی، کشور را به تقویت مناسبات سیاسی و اقتصادی با شرق ترغیب کرده است». این فرضیه در چهارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک و با روش علی - تبیینی به آزمون گذاشته شده است که طی آن تقویت شرق‌گرایی در مناسبات خارجی کشور در قالب دافعۀ تحریم‌های غرب نشان داده شده است. یافته مقاله حاکی از آن است که گرایش به شرق در مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورمان کمتر به‌عنوان یک راهبرد منسجم و ارادی از درون و بیشتر در چارچوب واکنش به تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان در مقاطع زمانی خاص، دنبال شده است؛ بنابراین در شرایط امروز، با خروج ایالات متحده از برجام و تهدیدها و اقدام‌های یک‌جانبه دولت ترامپ علیه کشورمان، می‌توان انتظار داشت بار دیگر مناسبات سیاسی و اقتصادی کشورمان با شرق تقویت گردد.

واژگان کلیدی: ایران؛ شرق‌گرایی؛ اقتصاد سیاسی بین‌الملل؛ تحریم؛ واقع‌گرایی نوکلاسیک

^۱ . عضو هیئت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Saeedmirtorabi@gmail.com

^۲ . دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور بزرگ آسیایی و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک آن نیازمند است که با کشورهای آسیایی، به‌ویژه با قدرت‌های مهم آن رابطه مناسب داشته باشد. با این حال، واقعیت این است که روابط سیاسی و اقتصادی کشورمان با شرق، همواره در یک وضعیت قرار نداشته و دیدگاه‌های نخبگان سیاست خارجی کشورمان نیز در این زمینه نیز، یکدست نبوده است (نک. جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۵؛ گزارش تحلیلی سایت تابناک، ۹۷/۳/۹). با این حال همان‌گونه که مقاله در ادامه نشان می‌دهد، روندهایی پرافت‌وخیز در گرایش به مناسبات سیاسی و اقتصادی با شرق در دوره پس از انقلاب وجود داشته است و اگر از منظر محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع بنگریم، یکی از ویژگی‌های این نگاه پرافت‌وخیز در گرایش به شرق را می‌توان در ماهیت واکنشی آن نسبت به تحولات فضای پیرامونی کشور، به حساب آورد.

نگاه به گذشته روابط ایران با کشورهای آسیایی نشان‌گر روابط سیاسی - اقتصادی ایران در ابعاد مختلف است که مهم‌ترین نماد این همکاری‌ها جاده‌ی ابریشم بوده است. این روابط در دوره‌های بعدی با شدت و ضعف ادامه داشته است تا این‌که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ (پهلوی دوم)، نگاه تازه‌ای به شرق مبذول شد. این نگاه حاصل تحولات بین‌المللی در قالب تنش‌زدایی دو بلوک شرق و غرب بود؛ اگرچه عوامل داخلی و ذهنیت استعمارگری ایرانی در این نگاه بی‌تأثیر نبوده است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و ایدئولوژی حاکم بر آن سیاست گرایش به شرق را با وقفه و تا حدودی رکود همراه ساخت. انقلاب اسلامی با شعارهای استکبارستیزانه خود از جمله شعار «نه شرقی، نه غربی» و صدور انقلاب پا به عرصه گذاشت. در ضمن طیفی از موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مانع از آن شد تا شرق‌گرایی در سال‌های نخست انقلاب نضج گیرد؛ اما تحولات متعاقب داخلی و شروع جنگ عراق علیه ج. ا. ایران و تشدید فشارهای غرب باعث شد تا این سیاست مجدداً به عرصه‌ی روابط خارجی ایران بازگردد. در واقع سیر تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در بازگشت سیاست نگاه به شرق به عرصه نقش‌آفرینی کرده است. این مقاله تلاش می‌کند ماهیت گرایش به شرق در مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور را با عنایت به فشارهای بیرونی که در چارچوب تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان اعمال شده را تحلیل نماید.

در همین راستا پرسش اصلی مقاله این است که تحریم‌های بین‌المللی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۹۲، چگونه گرایش به شرق در مناسبات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده است؟ فرضیه‌ای که مقاله مورد آزمون قرار داده این است که تحریم‌های متعاقب بین‌المللی علیه کشور در پنج حوزه مختلف در دوره‌ی ۱۳۶۸-۱۳۹۲، از طریق تشدید موانع مناسبات با غرب، نخبگان تصمیم‌گیر در روابط خارجی کشور را به تقویت مناسبات سیاسی و اقتصادی با شرق ترغیب کرده است. بر اساس این فرضیه می‌توان تحریم‌های بین‌المللی را به‌عنوان متغیر مستقل بحث و شرق‌گرایی در روابط خارجی ایران در دوره مورد بحث را متغیر وابسته محسوب کرد. تشدید موانع مناسبات با غرب که توسط نخبگان تصمیم‌گیر در عرصه سیاست

خارجی رصد و برداشت‌شده را نیز می‌توان به‌عنوان متغیر واسطه تحلیل در نظر گرفت که از طریق آن اثر متغیر مستقل به متغیر وابسته منتقل شده است.

مقاله در راستای آزمون فرضیه بالا نخست چارچوب نظری بحث را که در قالب نظریه نواقع‌گرایی است، تشریح می‌کند. پس‌از آن به‌طور مختصر پیشینه و مختصات گرایش به شرق در مناسبات خارجی کشور موردبررسی قرار می‌گیرد. در ادامه مقاله در راستای تحلیل فرضیه، آثار دافعه فشارها و تحریم‌های غرب را در چارچوب شاخص‌هایی معین مطالعه کرده و پیامد این نیروهای دافعه را در قالب گرایش به شرق در مناسبات اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌ی زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۲ تحلیل کرده است.

۲- چارچوب نظری

الف: تعریف مفاهیم

برای این‌که نگاه دقیق‌تری به موضوع داشته باشیم ابتدا مفاهیم تحقیق را توضیح می‌دهیم و سپس به چارچوب نظری می‌پردازیم.

شرق: در فرهنگ علوم سیاسی برای واژه‌ی شرق دو تعریف ارائه‌شده است: ۱- آن مناطقی از جهان که اروپاییان در جغرافیای سنتی دوران ظهور سرمایه‌داری، آن را شرق یا خاور نامیده‌اند و خود به سه منطقه‌ی شرق نزدیک، شرق میانه و شرق دور تقسیم می‌شود. ۲- این معنی که بیش از پنجاه سال (از انقلاب شوروی ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱) از پیدایش آن می‌گذرد، مفهوم اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آن است و کسانی که در این مفهوم، واژه‌ی شرق را به کار می‌برند، منظورشان کشورهای سوسیالیستی و سوسیالیسم است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۲۰۲). این نوشتار ترکیبی از دو نگاه بالا را به مفهوم شرق دارد و منظور آن از شرق، کشورهای واقع در قاره آسیا در شمال (مثل روسیه)، شرق و جنوب شرق آسیا (مثل چین) و جنوب آسیا (مثل هند) است.

گرایش به شرق (شرق‌گرایی):^۱ این واژه‌ی آلمانی که در سال ۱۹۶۶ به‌وسیله‌ی کورت کیزینگر^۲ به کار رفت بیانگر سیاست جمهوری فدرال آلمان سابق برای برقراری رابطه با شرق کمونیست و ابطال دکترین هالشتاین^۳ است. این سیاست در زمان حکومت ویلی برانت جنبه‌ی عملی به خود گرفت (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۴۸۲)؛ و سپس از سوی کشورهای دیگر هم اتخاذ شد. این سیاست در ایران بعد از انقلاب به‌منظور برقراری توازن مقابل غرب، اتخاذ شد و بعداً جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز گرفت.

1 - Eastward orientation

2 - Kurt Georg Kiesinger

3 - Hallstein doctrine

تحریم: تحریم عملی دسته‌جمعی و کیفی است که متضمن اقدامات لازم دیپلماتیک، اقتصادی و یا نظامی در برابر کشوری است که برخلاف مصوبات منشور ملل متحد رفتار کرده است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۶۰۴). البته تحریم‌های یک‌جانبه نیز وجود دارد که منظور از آن، اقدام برنامه‌ریزی‌شده‌ی یک یا چند دولت، از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار بر کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی است (جلالی و اکبر، ۱۳۹۳: ۶۲).

ب: واقع‌گرایی نوکلاسیک

همان‌گونه که اشاره شد مقاله حاضر برای تحلیل و بررسی ریشه‌های شرق‌گرایی در روابط خارجی ایران، از نظریه‌ی واقع‌گرایی نوکلاسیک بهره می‌گیرد. علت انتخاب این رویکرد این است که واقع‌گرایی نوکلاسیک در تحلیل عوامل دخیل در روابط خارجی کشورها، هم به عوامل داخلی (عمدتاً در سطح نخبگان تصمیم‌گیر) و هم عوامل بین‌المللی توجه نشان داده است.

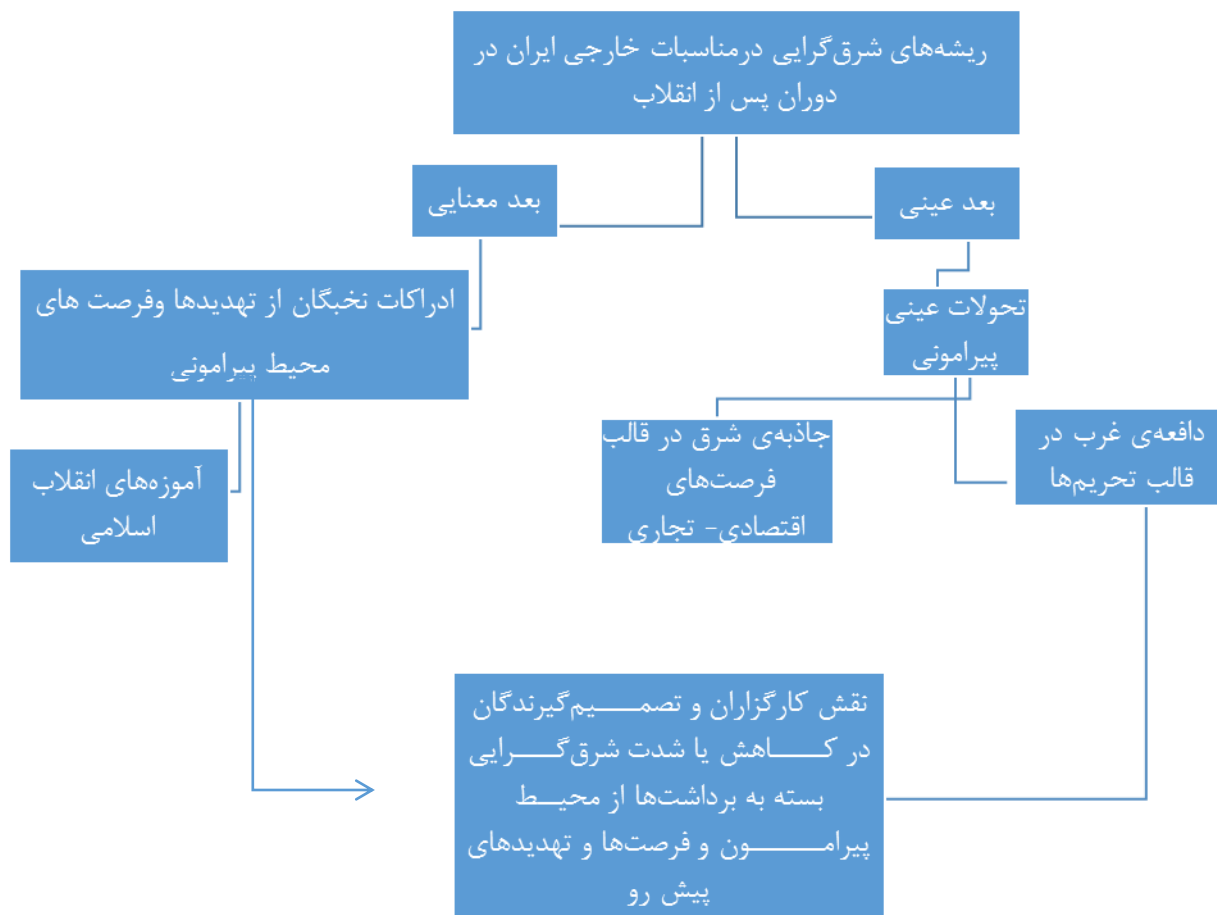
نظریه‌ی واقع‌گرایی نوکلاسیک در تکمیل سلسله نظریه‌های واقع‌گرایی و برای رفع نواقص و محدودیت‌های نظریه‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نو-واقع‌گرایی (واقع‌گرایی ساختاری)، مطرح شد. این نظریه عناصر و مفروضه‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نو-واقع‌گرایی را در هم می‌آمیزد و ترکیبی از متغیرهای سطح واحد و سیستمیک را کنار هم می‌گذارد تا بتواند سیاست خارجی کشورها را تحلیل کند؛ یعنی هم‌بستر داخلی و هم بین‌المللی را به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار می‌دهد. به عبارتی فشارها و محدودیت‌های سیستمیک (نو-واقع‌گرایی) و ادراکات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و ساختار دولت (واقع‌گرایی کلاسیک) به‌طور هم‌زمان به سیاست خارجی یک کشور شکل می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۸-۲۷۷)؛ بنابراین، واقع‌گرایان نوکلاسیک ضمن تأکید بر جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل و توانمندی‌های نظامی آن، معتقدند که تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است؛ زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها ترجمه شوند. درواقع آن‌ها به سطوح مختلف تحلیل توجه می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

پس می‌توان گفت هدف واقع‌گرایی نوکلاسیک اصلاح نظریه‌ی نو-واقع‌گرایی از طریق افزودن متغیرهای میانجی داخلی بین‌انگیزه‌ها و محرک‌های سیستمیک و تصمیم‌های سیاست خارجی است؛ چون، ساختار نظام بین‌الملل به معنای چگونگی توزیع قدرت و سطح تهدیدهای خارجی به‌تنهایی قادر به تبیین سیاست خارجی و رفتار آن نیست، بلکه ترکیبی از محدودیت‌ها و فرصت‌های بین‌المللی، سطح و میزان تهدیدهای خارجی و فرصت‌ها و محدودیت‌های داخلی رفتار سیاست خارجی را تبیین می‌کند. به‌گونه‌ای که تلقی و تعریف از تثبیت و تغییر توزیع قدرت و تهدیدها و شرایط خارجی نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین واکنش کشورها به آن‌ها دارد (Taliaferro, et al., 2009: 1-2). در این نظریه به نهادهای داخلی، ایدئولوژی و برداشت‌های نخبگان از تهدیدهای پیرامونی به‌عنوان عامل تبیین‌کننده رفتار بین‌المللی دولت‌ها توجه شده است (Lobel et al, 2009: 316) در این راستا تأکید می‌شود که رهبران از آزادی عمل لازم برای استفاده از منابع قدرت در دسترس در عرصه مناسبات خارجی کشور برخوردار هستند (Orban, 2008: 21).

مطابق نمودار زیر، در تحلیل ریشه‌های شرق‌گرایی در سیاست خارجی ج. ا. ایران دودسته عوامل دخیل هستند: دسته‌ی اول متشکل از عوامل معنایی است که در درجه اول برداشت‌های نخبگان تصمیم‌گیر از فرصت‌ها و تهدیدهای محیط پیرامونی کشور مرتبط می‌شود. درعین حال باید توجه داشت که این نخبگان در دوران پس از انقلاب از ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیز به شدت متأثر هستند و این عوامل و آموزه‌های معنایی بر برداشت آن‌ها از منافع کشور در حوزه مناسبات خارجی به شدت اثرگذار است.

اما دسته‌ی دوم ناظر به عوامل عینی موجود در فضای اقتصادی و سیاسی پیرامونی کشور است. این عوامل در قالب تحولات عینی پیرامونی، سیاست‌گرایی به شرق ج. ا. ایران را توضیح می‌دهند. این تحولات عینی از دو جهت مهم بوده است: الف) دافعه‌ی غرب در قالب تحریم‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی و ب) جاذبه‌ی شرق در قالب فرصت‌های اقتصادی و تجاری ایجادشده در شرق. این دودسته عوامل در کنار نقش کارگزاران و تصمیم‌گیرندگان در سیاست خارجی کشور در کاهش یا شدت شرق‌گرایی که بسته به برداشت‌های آن‌ها از محیط پیرامون و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش رو، سیاست نگاه به شرق در مناسبات خارجی کشور را در دوره پس از انقلاب توضیح می‌دهند. البته این مقاله برای محدود کردن دامنه بحث، تنها اثر نیروهای دافعه مرتبط با تحریم‌های بین‌المللی را بر برداشت‌های نخبگان و تصمیم‌های آن‌ها در گرایش به شرق در مناسبات اقتصادی و سیاسی کشور در دوره موردبحث توجه کرده است.

این الگوی نظری هم قادر است ریشه‌های شرق‌گرایی در مناسبات خارجی کشور در دوره موردبحث را توضیح دهد و هم علل افت‌وخیز و نوسان در این گرایش در روابط خارجی کشور را نیز روشن سازد. به‌طور طبیعی می‌توان نتیجه گرفت تشدید تحریم‌ها و فشارهای غرب علیه کشور، در مسیر تقویت شرق‌گرایی در روابط خارجی کشور عمل کند و درعین حال ادراکات نخبگان دولت از این تهدیدها نیز به‌عنوان یک عامل میانجی مهم نقش‌آفرین باشد. سیر کلی گرایش به شرق در مناسبات خارجی کشور در دوره زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ را می‌توان در چنین بستری تحلیل کرد. درعین حال می‌توان گفت شدت گرفتن بی‌سابقه تحریم‌ها و فشارهای خارجی و تغییر ترکیب نخبگان تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی کشور (روی کار آمدن دولت روحانی) از این دوره به بعد، سبب شده علائمی از تغییر در گرایش مناسبات اقتصادی و سیاسی کشور مشاهده شود که شواهد آن را می‌توان در تلاش دولت روحانی در تقویت مناسبات سیاسی و اقتصادی و تجاری با کشورهای اروپایی مشاهده کرد. این مقاله ضمن پذیرش نقش عوامل معنایی و ادراکات و برداشت‌های نخبگان از تهدیدها و فرصت‌های محیط پیرامونی، سعی کرده است تا بیشتر نقش عوامل عینی را در قالب نیروهای تهدیدزای غرب در گرایش به شرق در مناسبات خارجی کشور در دوره زمانی موردبحث تحلیل و بررسی کند. البته هم‌زمان ادراکات نخبگان تصمیم‌گیر در شیوه نگاه به محیط پیرامونی موردتوجه قرار گرفته است. در نمودار زیر روابط میان متغیرها در چارچوب الگوی نظری برگزیده تحقیق نشان داده شده است.



۳- پیشینه شرق‌گرایی در روابط خارجی ایران

از یک منظر می‌توان نقطه‌ی شروع شرق‌گرایی در ایران معاصر را اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ دانست؛ زمانی که در سال ۱۳۴۱ شاه ایران - محمدرضا پهلوی - در دومین سفر خود به پاکستان تمایل خود را به میانجی‌گری میان افغانستان و پاکستان بر سر پشتون‌ها اعلام کرد (مهدوی، ۱۳۹۳: ۳۰۳-۳۰۲)؛ اما می‌توان گفت مهم‌ترین عامل گرایش دولت پهلوی به شرق - توجه به شرق - دوران تنش‌زدایی اول بود که مدیون یک سری تحولات بین‌المللی بود؛ هرچند که انگیزه‌های تاریخی ایران در رهایی از استعمار پنهان نیز مهم بوده است. در این دهه رابطه با شوروی شکل گرفت و گسترش یافت؛ البته هدف شاه از رابطه با شوروی - به‌عنوان پرچم‌دار بلوک شرق - همکاری‌های اقتصادی و فنی بود، نه روابط سیاسی و رخنه‌ی شوروی در ایران (دانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۵).

در دهه‌ی ۱۳۵۰ افزایش بهای نفت در بازارهای بین‌المللی سیاست‌گرانش به شرق را در ایران تقویت کرد. افزایش بی‌سابقه‌ی قیمت نفت در پی شوک اول نفتی که دلارهای زیادی را روانه‌ی ایران کرد، شاه را وسوسه می‌کرد تا با آزادی عمل بیشتری در سیاست خارجی گام بردارد. اتفاق مهمی که در ابتدای این دهه رخ داد شناسایی چین کمونیست از سوی ایران بود (مهدوی،

۱۳۹۳: ۳۹۸). عواملی که سبب شد چین و ایران به هم نزدیک شوند عبارت‌اند از: خروج انگلیس از خلیج فارس، همراهی چین با ایالات متحده در مورد واگذاری امنیت خلیج فارس به ایران (برای مقابله با شوروی)، نگرانی چین از رشد موقعیت شوروی در آسیا در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و دهه‌ی ۱۹۷۰ (گارور، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت موقت که با پیروزی انقلاب اسلامی امور را در دست گرفته بود، با اعلام این‌که در سیاست خارجی خود دنباله‌رو محمد مصدق هستند، سیاست خود را «موازنه‌ی منفی» اعلام کرد؛ اما این سیاست خارجی در تئوری و عمل و با دیدگاهی کلان، تمایل به غرب و نگرانی نسبت به نفوذ شرق، در تلاش برای جلب و بهبود روابط با دولت‌های دیگر به‌ویژه ایالات متحده بود (کریمی‌فرد، ۱۳۹۴: ۹۶)؛ اما در حال برخی اقدامات دولت موقت را می‌توان در راستای گرایش به شرق ارزیابی کرد. اقداماتی مثل عضویت در جنبش عدم تعهد (NAM^۱)، خروج از پیمان سنتو، قطع رابطه با اسرائیل و ایجاد رابطه با سوریه (متحد شوروی) و لغو کردن موافقت‌نامه‌های نظامی و دفاعی با آمریکا (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۷۰-۶۹).

پس از وقوع جنگ تحمیلی، تحریم تسلیحاتی غرب، زمینه گرایش ایران به شرق برای تأمین برخی از نیازهای تسلیحاتی‌اش را ایجاد کرد. در این دوره، چین، روسیه و کره شمالی در آسیا تأمین‌کنندگان اصلی تجهیزات و تسلیحات ایران بودند. پاکستان نیز تسهیلات بندری در کراچی را برای ترانزیت کالا در اختیار ایران قرار داد (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۳). در اوایل دهه‌ی ۱۳۶۰ و با اتمام کار دولت ابوالحسن بنی‌صدر، تغییراتی در اصول سیاست خارجی کشور در قالب گفتمان اسلام‌گرایی مرکز محور [ام‌القری] بروز کرد و معیارهایی برای تنظیم مناسبات خارجی کشور با دیگر کشورها مدنظر قرار گرفت که عبارت بودند از: جهان‌سومی بودن، مواضع سیاسی نسبت به انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی (هم‌سویی با ایران)، عدم سوء‌پیشینه‌ی استعماری (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴) و ضرورت‌های جنگ تحمیلی (ثقفی عامری و احدی، ۱۳۸۷: ۳۴-۳۳ و گارور، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۲۱). این معیارهای جدید و استمرار نیازهای تسلیحاتی کشور، گرایش به شرق را باز هم تقویت کرد.

با پایان یافتن جنگ تحمیلی در ۱۳۶۷، فضای پر تب‌وتاب حاکم بر مناسبات خارجی کشور نیز تغییر کرد. در عین حال در این دوره همان‌گونه که در فرضیه مقاله مطرح شد، نیروی دافعه تحریم‌های غرب به‌عنوان پیشران گرایش به شرق در مناسبات خارجی کشور عمل کرد و البته سهم ادراکات و برداشت‌های نخبگان نیز از تغییر و تحولات فضای پیرامونی کشور نیز نقش تنظیمی مهمی در چارچوب‌بندی گرایش به شرق در دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ ایفا کرده است که در ادامه مقاله تأثیر این متغیرها به تفکیک بررسی شده است.

۴- گرایش به شرق در واکنش به ماهیت تهدیدآمیز و دافعه‌ی تحریم‌ها

^۱ - Non-Alignment Movement (NAM)

در این قسمت برای تحلیل فرضیه‌ی مدنظر به شاخص‌های شناسایی شده در قالب ماهیت تهدیدآمیز و دافعه‌ی تحریم‌ها می‌پردازیم و واکنش به این تحریم‌ها را در قالب گرایش به شرق بررسی می‌کنیم. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ۱- تحریم‌های تسلیحاتی؛ ۲- تحریم‌های حقوق بشری؛ ۳- تحریم با توجه حمایت از تروریسم؛ ۴- تحریم بر ضد صنعت نفت؛ ۵- تحریم‌های هسته‌ای.

۴-۱ گرایش به شرق در واکنش به تحریم‌های تسلیحاتی

اولین تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران در سال (۱۳۵۹) ۱۹۸۰ در واکنش به گروگان‌گیری سفارت امریکا انجام گرفت. این تحریم قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمدرضا پهلوی به امضا رسیده بود، لغو و فروش تجهیزات نظامی به ایران را غیرقانونی نمود. پس‌ازاین تاریخ فروش و صادرات اسلحه‌ی امریکا به ایران قطع شد. با وقوع جنگ ایران و عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، غرب که تمایلی به پیروزی ایران در این جنگ نداشت، تحریم تسلیحاتی علیه ایران را تشدید کرد. این تحریم‌ها در دهه‌های بعد نیز ادامه یافت و با مطرح‌شدن پرونده‌ی هسته‌ای ابعاد جدیدی به خود گرفت. به‌طوری‌که در قطعنامه‌های صادرشده بر ضد برنامه‌ی هسته‌ای ایران به‌خصوص قطعنامه‌های شماره‌ی ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ تصویب شد، این تحریم‌ها تشدید شدند. در این شرایط ایران همانند دوران جنگ به کشورهای شرقی از جمله: چین، کره‌ی شمالی و روسیه روی آورد تا نیازهای تسلیحاتی خود را برآورده سازد.

بر همین اساس، در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی و پایان جنگ تحمیلی در شرایطی که ایران نیازمند بازسازی ساختار دفاعی خود بود، اتحاد جماهیر شوروی بیشترین مشارکت را با ایران داشت. بر اساس قرارداد تسلیحاتی ۱۹۸۹ ایران و شوروی، خرید سه زیردریایی از نوع کیلو- کلاس، تانک‌های تی-۷۲، هواپیماهای میگ ۲۹ و سوخوی ۲۴ و پرتاب‌کننده‌ی موشک و سلاح‌های دوربرد در دستور کار ج.ا. ایران قرار گرفت. در ادامه و پس از جایگزین شدن روسیه به‌جای شوروی در اکتبر ۲۰۰۱ در سفر شمشانی -وزیر دفاع وقت- به مسکو، قرارداد پنج‌ساله‌ای امضا شد که ایران پس از چین و هند به سومین خریدار بزرگ جنگ-افزار از روسیه تبدیل شد (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۴). در مجموع ایران در طول سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ بیش از ۲۰۰ تانک تی-۷۲، ۱۰ سوخوی ۲۴ و ۸ میگ ۲۹ از روسیه خریداری کرد. حضور مشاوران نظامی روسی در ایران و اعزام نظامیان ایرانی به روسیه جهت آموزش نشان از ابعاد گسترده‌ی این همکاری‌هاست (جعفری و تقی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۶۹). در ارتباط با چین نیز هم‌زمان با تحریم‌های غرب علیه ایران در دوران جنگ هشت‌ساله، این کشور به یکی از تأمین‌کنندگان اصلی سلاح ایران مبدل شد و این وضعیت در سال‌های بعدی و با تشدید تحریم‌ها رو به گسترش نهاد. به‌طوری‌که طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ ایران پس از پاکستان دومین خریدار سلاح از چین بوده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

این چرخش در گزارش‌ها و آمارهای سال ۲۰۱۵ «موسسه‌ی صلح استکهلم» در سوئد (SIPRI)، مشهود است. این جدول نشان می‌دهد سهم کشورهای شرقی در فروش سلاح به ایران قابل توجه است و البته عموماً این خریدها در دوران پس از انقلاب صورت گرفته است.

جدول ۱- برترین صادرکنندگان اسلحه به ایران (۱۹۵۰-۲۰۱۵)

کشور	امریکا	روسیه	چین	انگلیس	کره‌ی شمالی	ایتالیا	دیگر کشورها
ارزش (میلیون دلار)	۲۴/۹۴۳	۶/۷۱۵	۴/۲۵۹	۳/۷۴۴	۱/۵۲۷	۱/۳۴۴	۳/۶۰۱

منبع: سایت عصر ایران به نقل از پایگاه داده‌های خریدهای تسلیحاتی موسسه سیپری

گزارش‌ها درباره همکاری‌های نظامی کشورها معمولاً با میزانی از گمانه‌زنی و ابهام مواجه است. به‌ویژه اینکه فرضاً درباره همکاری‌های نظامی ایران و چین، دو کشور کمتر گزارش‌های رسمی منتشر کرده‌اند. درعین‌حال در محافل غربی، اخبار و تحلیل‌های فراوانی در این باره وجود دارد. فرضاً گزارش‌شده است که ایران فناوری موشک ضد کشتی خود را با کمک چین توسعه داده است. (UPI, April 23, 2010). در همین راستا همچنین گزارش‌هایی درباره کمک چین به ایران در ساخت کارگاه تولید موشک نصر در ۲۰۱۰ منتشر شده است (Garver, 2007). همین محافل ارزش مجموع همکاری‌ها و خریدهای نظامی ایران از چین را بین ۴ تا ۱۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. (Harold and Nader, 2012: 21). بر اساس یک گزارش تحقیقاتی دیگر، در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، بیش از ۷۰ درصد نیازهای تسلیحاتی خارجی ایران از روسیه تأمین شده است. (Kassianova, 2006: 3).

۴-۲ گرایش به شرق در واکنش به تحریم‌های حقوق بشری

تحریم حقوق بشری به معنای تحریم دولت‌ها و نهادهای حقوقی آن، افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی یک کشور به دلایل مختلف، به سبب نقض آزادی‌های فردی و نقض حقوق بشر است. فشارهای حقوق بشری علیه ایران گاه از طریق مواضع رسمی و غیررسمی دولت‌ها مانند تحریم و قطعنامه و گاه از طریق قطعنامه‌ها و بیانیه‌های نهادهای بین‌المللی حقوق بشری مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل، سازمان عفو بین‌الملل و سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعمال شده است (جلالی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۱). البته غرب ضمن برخورد تبعیض‌آمیز با ایران در قیاس با دیگر کشورها در مورد مسائل حقوق بشری، از آن به‌عنوان یک اهرم فشار سیاسی و به‌عنوان یکی از کلیدهای عملیات روانی علیه ایران بهره‌برداری نموده است (ستوده و ابیا، ۱۳۹۱: ۱۵). این فشارهای حقوق بشری علیه کشور در مواردی مثل تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی، اقلیت‌های قومی و زبانی، تبعیض نسبت به

زنان و دختران در قانون اساسی و در عمل، نقض آزادی‌های اساسی از جمله آزادی مطبوعات، بیان، عقیده و اجتماع، بسته شدن روزنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی و اصلاح مجازات‌ها معطوف بوده است (مه‌رپور، ۱۳۷۴: ۶۶).

در واکنش به فشارها و تحریم‌های حقوق بشری، جمهوری اسلامی ایران برای خنثی‌سازی این‌گونه فشارها به کشورهای شرقی (که نگاه تا حدودی مشابه به حقوق بشر دارند) گرایش یافته است. برای مثال؛ دو کشور ایران و روسیه، بارها از برخورد دوگانه‌ی غرب در زمینه‌ی حقوق بشر و دموکراسی انتقاد کرده‌اند. از سال ۱۹۹۶ به بعد روسیه همواره به قطعنامه‌هایی که در مجامع بین‌المللی علیه حقوق بشر در ایران مطرح شده رأی منفی داده است و ایران نیز از مواضع روسیه حمایت کرده است (مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۷).

همین موضع مشترک در روابط ایران و چین در حوزه حقوق بشر قابل مشاهده است. از نظر چین حاکمیت و حقوق بشر مکمل یکدیگرند و حقوق بشر پیش شرط و تضمین‌کننده‌ی حاکمیت است؛ بنابراین حقوق بشر ذاتاً از امور داخلی دولت است و دخالت در امر داخلی دیگر کشورها خلاف حقوق بین‌الملل است و قابل پذیرش نیست. اتهامات حقوق بشری از قبیل آزادی بیان و رسانه‌های جمعی، آزادی مذهب، مجازات اعدام و ... از مواردی بوده است که غرب در گزارش‌ها و قطعنامه‌های خود به چین وارد کرده است (کیوان حسینی و دیگران، ۱۳۹۲). طرح اتهام‌های مشابه به ایران، سبب نزدیکی و همسویی مواضع حقوق بشری دو کشور شده است.

۴-۳ گرایش به شرق در واکنش به تحریم با توجیه حمایت از تروریسم

این تحریم‌ها ریشه در حمایت ایران از حزب‌الله، حماس و فلسطین و کشورهای دیگری دارد که با غرب زاویه دارند. حضور ایران در خاورمیانه و لبنان و انفجار پایگاه تفنگ‌داران امریکایی [۱۳۶۲] در بیروت زمینه‌ی این تحریم‌ها را فراهم کرد (متقی، ۱۳۷۹: ۵۵). حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، باعث تشدید مبارزه با تروریسم شد و ایران به همراه کره‌ی شمالی و عراق توسط امریکا به‌عنوان «محور شرارت» معرفی گردید که تحریم‌هایی را نیز در پی داشت (شعیبی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

آسیایی ستیزی برآمده از ۱۱ سپتامبر نوعی همگرایی دوسویه را برای گرایش به شرق فراهم آورد. در نتیجه ایران هم به‌صورت چندجانبه و هم دوجانبه با کشورهای شرقی همکاری‌هایی را در مقابله با تروریسم سازمان داد. مثال مشخص این همکاری در عضویت ناظر ایران در سازمان همکاری شانگهای است. در این راستا و در تقویت نگاه به شرق در سیاست خارجی ج.ا. ایران، در سال ۱۳۸۵، ایران عضو ناظر پیمان شانگهای شد. از آنجاکه این سازمان از یک‌جهت در تقابل با یک‌جانبه‌گرایی امریکا است و از سوی دیگر به مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری می‌پردازد، حضور ایران در این سازمان را می‌توان در راستای همکاری کشورهای عضو این سازمان در مبارزه با تروریسم عنوان کرد (کولایی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۱).

همچنین بر اساس سند جامع همکاری ایران و چین که در سال ۱۳۹۴ مبادله شد و بر اساس بند ۱۴ آن، «دو طرف، تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی را تهدیدی برای جامعه بشریت و صلح و ثبات جهانی دانسته و با تأکید بر لزوم اراده‌ی راسخ و

یکپارچه جامعه جهانی در مبارزه با این سه پدیده شوم، آمادگی خود را برای گفت‌وگو درباره سیاست‌ها و همکاری عمل‌گرایانه در این زمینه اعلام کردند. ایران و روسیه نیز در این دوره همکاری‌های خود را در مقابله با تروریسم گسترش دادند که مهم‌ترین جلوه این همکاری را می‌توان در مواضع و عملیات مشترک دو کشور در حمایت از دولت بشار اسد در سوریه مشاهده کرد (Mohseni, 2015).

۴-۴ گرایش به شرق در واکنش به تحریم علیه صنعت نفت کشور

با علم به رانتیر بودن ساختار مالی دولت و اقتصاد کشور ایران و وابستگی حدود ۶۰ درصدی بودجه‌ی دولت به درآمدهای نفت و گاز، می‌توان تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه و بین‌المللی را در حوزه انرژی (نفت و گاز) و انگیزه غرب از توسل به این نوع تحریم را تحلیل کرد (میرتربیی، ۱۳۹۳: ۲۷۰). با تیره شدن روابط ایران و آمریکا از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی)، آمریکا به ضربه زدن به اقتصاد ایران از روش‌های مختلف خصوصاً تحریم سرمایه‌گذاری در بخش انرژی اقدام کرد. در ابتدای انقلاب و جنگ تحمیلی، تحریم صنعت نفت از طریق فراخواندن کارشناسان خارجی و عدم تأمین قطعات زیرساخت این صنعت و نیز تخلیه‌ی کلیه اطلاعات کشف منابع جدید نفتی آغاز شد؛ به طوری که صادرات روزانه حدود پنج میلیون بشکه نفت قبل از انقلاب به یک‌باره به زیر یک میلیون بشکه رسید (فدایی و درخشان، ۱۳۹۴: ۱۱۸).

اما مهم‌ترین تحریم در این حوزه در دهه‌ی ۱۹۹۰ طرح سناتور آلفونسو داماتو^۱، رئیس کمیسیون بانکداری سنا، در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) بود. بر اساس این طرح در وهله‌ی اول تحریم‌های تجاری علیه ایران اجرا و در مرحله‌ی بعد شرکت‌های خارجی از معامله با ایران منع شدند. از آنجاکه نفت و گاز رگ حیاتی ایران بود، تحریم انرژی، روشی مؤثر در جلب همکاری بین‌المللی برای منزوی کردن کشور به شمار می‌رفت (عزیزنژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). بر این تحریم‌ها بعداً مجموعه‌ای از تحریم‌های مالی و بانکی (از سال ۱۳۸۹) افزوده شد تا در برابر صدور نفت کشور، موانع مالی ایجاد شود. تحریم بانک مرکزی در این راستا باهدف ضربه زدن به مبادلات تجاری به‌ویژه فروش نفت در دستور کار قرار گرفت (میرتربیی، ۱۳۹۳: ۲۸۰).

باید توجه داشت که صنعت نفت و گاز صنعتی سرمایه‌بر و دارای فن‌آوری به نسبت پیچیده است که احتیاج به سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ی مالی و بانکی و ورود فن‌آوری‌های جدید دارد (معظمی و سرعتی آشتیانی، ۱۳۹۱: ۳۳). در پی تحریم‌های غرب علیه ایران در بخش انرژی (نفت و گاز)، همکاری شرکت‌های غربی در ارتباط با اکتشاف و استخراج نفت کاهش یافت.

این موضوع زمینه را بیش‌ازپیش برای حضور شرکت‌های آسیایی به‌خصوص چینی و هندی فراهم کرد. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۳ همکاری ایران و ژاپن در خصوص توسعه‌ی میدان‌ها آزادگان به سبب اعمال فشارهای آمریکا معلق شد و چین بلافاصله

بر اساس این قانون شرکت‌های آمریکایی و غیر آمریکایی از سرمایه‌گذاری سالانه بیش از ۴۰ میلیون دلار Alfonse Marcello "Al" D'Amato - ۱
در صنایع نفت و گاز ایران منع می‌شدند. این مبلغ در سال ۱۹۹۷ به ۲۰ میلیون دلار کاهش یافت.

جایگزین گردید (ظهیری‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۸). مثال‌های دیگری در این زمینه عبارت است از: شرکت دائلیم، کنسرسیوم شرکت ساخت و مهندسی تویوتا و شرکت لیند آلمان کنسرسیومی از: دائلیم، لورگی و یو. اچ. دی. ایی (U.H.D.E) از کره، کنسرسیومی متشکل از شرکت مهندسی تویوتا و شرکت چيودا و شرکت اینپکس از ژاپن، شرکت ملی نفت چین (CNPC) و شرکت ونتورز S.K.S از مالزی در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در بخش انرژی ایران وارد شدند (عزیزنژاد و سیدنورانی، ۱۳۸۸: ۱۹۲). از مهم‌ترین کشورهایی که ایران تمایل داشته با آن در زمینه‌ی صنعت نفت همکاری کند روسیه است؛ تکنولوژی به نسبت مناسب این کشور از عوامل این همکاری هست. از مهم‌ترین این قراردادها: قرارداد ۱۹۹۹ کمپانی «گازپروم» در پارس جنوبی با ۱۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری و فاز دوم «نیروگاه شهید منتظری» با مشارکت کمپانی «تخنوپروما اکسپورت» است (فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰).

جدول ۲- نمایی از همکاری‌های ایران و چین در حوزه انرژی

سال	موضوع قرارداد
۲۰۰۰	چین به ایران در ارتقای سه پالایشگاه نفت، باهدف پالایش نفت منطقه خزر کمک کرد.
۲۰۰۰	شرکت نفت کش ایران سفارش ساخت ۵ نفت کش بزرگ با چین امضا کرد
۲۰۰۱	امضای قرارداد بهره‌برداری از نفت منطقه کاشان در ایران توسط چین
۲۰۰۱	امضای قرارداد ۱۵۰ میلیون دلاری با چین برای ارتقای دو پالایشگاه نفت در ایران
۲۰۰۴	امضای قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین برای صادرات ۱۱۰ میلیون تن ال ان جی
۲۰۰۶	امضای قرارداد ۳۵ میلیون دلاری تعمیر، مدیریت و نگهداری سکوی شناور البرز در دریای خزر با چین
۲۰۰۷	امضای قرارداد با شرکت سینوپک چین برای توسعه میدان یادآوران
۲۰۰۸	امضای قرارداد بهره‌برداری از میدان پارس شمالی با شرکت سینوک چین
۲۰۰۹	امضای قرارداد ۱/۷ میلیارد دلاری با شرکت سی ان پی سی چین برای توسعه میدان آزادگان شمالی
۲۰۰۹	امضای قرارداد ۴/۷ میلیارد دلاری با شرکت سی ان پی سی چین برای توسعه فاز ۱۱ میدان پارس جنوبی
۲۰۱۰	امضای قرارداد ۱۴۳ میلیون دلاری برای واردکردن سکوی حفاری نفت از چین

Source: Miraskari et al,2013:124-25

در جولای ۲۰۰۹ دو کشور ایران و هند درباره توسعه میدان گازی ساحلی فرزاد بی مذاکره کردند که در پی آن مقرر شد کنسرسیومی از شرکت‌های هندی ۴/۵ میلیارد دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کند. در دسامبر ۲۰۰۹ نیز قراردادی میان ایران و هند برای واگذاری توسعه ۴۰ درصد از فاز ۱۲ پارس جنوبی به شرکت‌های انرژی هند به امضا رسید. مجموعه سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه این فاز ۷/۵ میلیارد دلار برآورد شده است (Suresh and Ramesh, 2015: 381).

۴-۵ گرایش به شرق در واکنش به تحریم‌های هسته‌ای

شروع تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران به دهه‌ی ۱۳۷۰ برمی‌گردد، جایی که در سال ۱۳۷۵، بیل کلینتون با ادعای نگرانی از ماهیت احتمالی نظامی برنامه‌های هسته‌ای ایران، تحریم‌هایی را اعمال کرد؛ اما پس از ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت، شش قطعنامه در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، علاوه بر اقدام‌های تحریمی ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران به تصویب رسید. در این شرایط ایران تلاش کرد از حضور روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان نیروی مانع در پیشبرد ماشین تحریم غرب علیه کشور استفاده نماید.

در این باره چین از جمله کشورهایی است که ج. ا. ایران در واکنش به تحریم‌های غرب بیشتر به آن گرایش یافت. دلیل این گرایش نیاز ایران به حمایت فنی - تکنولوژیکی خارجی در صنعت هسته‌ای و مواضع متعادل چین در مورد پرونده‌ی هسته‌ای کشور بود. هنگام مطرح‌شدن موضوع ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، مقامات پکن سرسختی زیادی از خود نشان دادند و سیگنال‌های زیادی مبنی بر اینکه آن‌ها مخالف ارسال این پرونده از وین به نیویورک هستند، به طرفین این مناقشه مخابره نمودند (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۱). البته همکاری چین با ایران در موضوع هسته‌ای از دهه‌ی ۸۰ میلادی شروع شد و در جولای ۱۹۹۱ توافق درباره‌ی تکمیل نیروگاه بوشهر (که قرار بود از سوی فرانسه و آلمان تکمیل شود) میان طرفین صورت گرفت. تفاهم‌نامه‌ی دیگری در سال ۱۹۹۲ میان دو طرف در زمینه‌ی طراحی، ساخت و راه‌اندازی نیروگاه‌های اتمی، تحقیق درباره‌ی راکتورها، اکتشاف و استخراج سنگ معدن اورانیوم، حفاظت در برابر تشعشعات و حفاظت زیست‌محیطی به امضا رسید. کمک‌های تکنولوژیکی، آموزش مهندسان ایرانی، فراهم کردن قطعات حساس مورد نیاز ایران از دیگر کمک‌های چین به ایران بود (گارور، ۱۳۸۱: ۲۵۸-۲۱۷). در نتیجه، در دوره تحریم‌ها نیز امکان بهره‌گیری از کمک‌های فنی چین به برنامه هسته‌ای کشور مدنظر بوده است.

روسیه، کشور دیگری است که در خلال تحریم‌های پس از انقلاب در زمینه‌ی هسته‌ای با ایران همکاری کرد. سیاست روسیه در قبال پرونده‌ی هسته‌ای ایران به سمت اتخاذ نوعی دیپلماسی چندجانبه‌گرایی محدود تمایل داشته است. انتخاب این سیاست به چند دلیل بوده است: (۱) نگاه سنتی روسیه نسبت به ایران در خصوص ضعیف نگاه‌داشتن این کشور (ادامه نگاه شوروی به ایران)؛ (۲) جلوگیری از نفوذ غرب در ایران؛ (۳) اهداف کلان سیاست خارجی روسیه به‌ویژه در تلاش برای کسب منافع حاصل از همکاری‌ها و تعاملات منفعت‌گرایانه در حوزه‌های تعاملاتی با غرب شامل: الف) اقتصاد و خطوط لوله‌ی انرژی، ب) کنترل

تسلیمات و ج) سپر دفاع موشکی؛ ۴) تحولات خاورمیانه‌ی عربی و سوریه (پور احمدی و عباسی خوشکار، ۱۳۹۱). در نتیجه پس‌از آن که شرکت آلمانی KWU از ساخت نیروگاه بوشهر (به دلیل فشارهای غرب) سرباز زد، ایران کم‌کم به روسیه روی آورد. به این ترتیب اولین توافق‌نامه‌ی ساخت نیروگاه اتمی در ایران و همکاری در عرصه‌ی استفاده‌ی صلح‌آمیز از نیروی اتمی در سال ۱۹۹۲ به امضا رسید. در سال ۱۹۹۵ قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار به امضا رسید. علاوه بر ساخت نیروگاه بوشهر، روسیه آموزش کارکنان ایرانی را نیز بر عهده گرفت؛ به طوری که تا سال ۲۰۰۲ حدود ۳۰۰ نفر دوره‌ی آموزشی را در روسیه و ۳۴۱ نفر در نیروگاه بوشهر کارآموزی خود را به پایان رساندند. در سال ۲۰۰۴ نیز روس‌ها عملیات ارزش‌یابی فنی-اقتصادی ساخت واحد دوم نیروگاه را انجام دادند (مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۷: ۱۲). این همکاری‌ها تا راه‌اندازی نیروگاه بوشهر ادامه یافته و هنوز نیز ادامه دارد. در مجموع چین و روسیه به دلیل مواضعشان در مورد پرونده‌ی هسته‌ای، از جمله: توجه به مقررات «ان. پی. تی» و «حقوق بین‌الملل»، تأکید بر حق حاکمیت ایران، تأکید بر پابندی ایران به مقررات بین‌المللی، توجه به حل و فصل دیپلماتیک موضوع و تقبیح راه‌حل نظامی، در جایگاهی قرار گرفتند که امکان گسترش همکاری‌های ایران با این دو کشور در موضوع هسته‌ای به شدت افزایش یافت.

نتیجه‌گیری

در کشورهایی همچون ایران که در طول تاریخ در مسیر مبادلات تجاری و فرهنگی تمدن‌های غرب و شرق قرار داشته‌اند، همواره موضوع تنظیم نوع و ماهیت مناسبات با غرب و شرق، مسئله و دغدغه مهمی بوده است. معمولاً در این‌گونه کشورها، این شرایط قرارگیری در مرزبندی‌های جغرافیایی و تمدنی شرق و غرب، آثار عمیق هویتی و فکری به همراه داشته و بنابراین موضوع مناسبات خارجی این کشورها تنها در ابعاد تجاری و سیاسی قابل بحث و بررسی نیست بلکه نیروهای فشرده‌شده هویتی و تاریخی نیز در این میان نقش‌آفرینی می‌کنند که در نتیجه آن، گرایش‌های متعارض به شرق یا غرب در نخبگان فکری و ابزاری این کشورها قابل مشاهده است. آثار این نوع گرایش‌های هم‌زمان و متعارض را می‌توان در تحولات یک سده اخیر ایران به خوبی مشاهده کرد.

همان‌گونه که سیر بحث مقاله نشان داد تحولات عینی در قالب دافعه‌ی تحریم‌های غرب در سیاست گرایش به شرق در جمهوری اسلامی ایران نقشی عمده داشته است. با این حساب می‌توان گفت احتمالاً از منظر بیرونی، پیشران اصلی سیاست گرایش به شرق در حوزه سکان‌داری سیاست خارجی کشور، موانعی بوده که در قالب تحریم‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف، روابط با غرب را دچار تنگنا کرده است. از این منظر باید گفت در حوزه سیاست‌گذاری برای مناسبات خارجی کشور در دوره مورد بررسی، گرایش به شرق عموماً ماهیتی واکنشی داشته و به واسطه تشدید موانع مناسبات با غرب مدنظر تصمیم‌گیران سیاست خارجی کشور قرار گرفته است. در واقع این پدیده نشانگر یکی از مهم‌ترین معضلات سیاست خارجی کشورمان در دوره پس از انقلاب است که به نظر می‌رسد همچنان به قوت خود باقی مانده است. این معضل عبارت از این است که از یک سو در

حوزه سیاست منطقه‌ای، تنش‌های جدی میان رویکردها و اولویت‌های سیاست خارجی کشورمان با رویکردها و اولویت‌های سیاست خارجی غرب مشاهده می‌شود و از سوی دیگر، نیازمندی‌های کشور در حوزه‌های اقتصادی، تجاری و فنی گرایش نیرومند در مناسبات با غرب ایجاد می‌کند. استمرار نسبی سیطره غرب بر نظم نهادی اقتصادی، مالی و سیاسی بین‌المللی نیز به این وضع دامن زده است.

بر این اساس همان‌گونه که در الگوی نظری تحقیق نشان داده شد، برداشت‌های نخبگان از تهدیدهای پیش رو، می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی بسیار مهم، در نقش نیروی تعدیل‌کننده گرایش به شرق عمل نماید. در نتیجه می‌توان گفت شدت یافتن تحریم‌های بین‌المللی از سال ۱۳۹۰ به بعد و روی کار آمدن دولت یازدهم، سبب تغییر محاسبات نخبگان تصمیم‌گیر کشور در زمینه تنظیم مناسبات خارجی شد. بر این اساس در دولت یازدهم این ایده شکل گرفت که هزینه و فشار ناشی از تحریم‌ها آن میزان افزایش یافته است که تنها با تغییر جهت مناسبات به شرق نمی‌توان با آن مقابله کرد بلکه باید شدت فشارها را با مذاکره و رایزنی با غرب، کاهش داد. توافق برجام در چنین فضایی پیگیری و اجرایی شد. مواضع اعلامی و سیاست‌های عملی نخبگان تصمیم‌گیر در دولت یازدهم حاکی از گرایش به ایجاد توازن در روابط سیاسی و تجاری و سرمایه‌گذاری کشور با شرق و غرب بود که در راستای آن می‌توان به تلاش برای اعاده همکاری‌ها و مبادلات تجاری و بانکی و سرمایه‌گذاری با طرف‌های اروپایی اشاره کرد. با این حال این گرایش در دولت دوازدهم با خروج ایالات متحده از برجام دچار مانع جدیدی شد.

مقاله بر ماهیت واکنشی و پرافت‌وخیز گرایش به شرق در مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور تأکید کرد. این وضع را هم می‌توان در دوره زمانی ۱۳۶۸-۹۲ مشاهده کرد و هم در دوره پس‌از آن. در دوره دولت‌های یازدهم و دوازدهم، چشم‌انداز کاهش تنش‌ها در روابط با غرب با تحولاتی هم‌چون امضای توافق برجام، به‌عنوان ترمزی در روند گرایش به شرق در مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور عمل کرد و پس از امضای برجام، مبادلات کشور در حوزه فروش نفت و همکاری با شرکت‌های نفتی و تجاری اروپایی رو به گسترش گذاشت؛ اما اکنون به‌واسطه رویکرد یک‌جانبه دولت ترامپ در خروج از برجام و تلاش واشنگتن برای اعمال دور جدیدی از تحریم‌ها، انتظار می‌رود موانع تازه‌ای در مناسبات سیاسی و اقتصادی کشور با غرب، شکل بگیرد و دوباره در واکنش به این تحول در محیط پیرامونی کشور، دور جدیدی از گسترش مناسبات با شرق را شاهد باشیم. کما اینکه با نزدیک شدن به زمان پایان مهلت دولت ترامپ برای اعمال تحریم‌های جدید، تحولات از خروج شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ اروپایی از همکاری با ایران و تلاش‌های کشورمان برای جایگزین سازی شرکت‌های روسی و چینی و حفظ و تقویت روابط نفتی با شرق حکایت دارد.

فهرست منابع

- آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد (زمستان ۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: چاپار.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۷۵)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: آوای نور.
- پوراحمدی، حسین و عباسی خوشکار، امیر (زمستان ۱۳۹۱)، «مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه‌ی علوم سیاسی، سال هشتم، (شماره‌ی اول)، صص: ۳۹-۷۷.
- ثقفی عامری، ناصر و افسانه احدی (اردیبهشت ۱۳۸۷)، ایران و سیاست نگاه به شرق، تهران: پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیک.
- جعفری، علی اکبر و تقی‌نژاد، روح‌الله (زمستان ۱۳۹۱)، «بایسته‌های روابط آینده‌ی ایران و روسیه؛ از الزامات «فن‌آوری پایه» تا اقتضات «انرژی‌محور»»، فصلنامه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، (شماره‌ی ۸۰)، صص: ۵۷-۸۳.
- جعفری، علی اکبر و وحید ذوالفقاری (۱۳۹۲) «روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟» مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ششم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۱ - ۴۰.
- جلالی، رضا و اکبر، امیر (۱۳۹۳)، «تاریخچه‌ی پیدایش تحریم‌ها: سیر تحولات تاریخی روابط متعامل و متقابل ایران و امریکا»، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ، سال نهم، (شماره‌ی ۳۵)، صص: ۵۷-۱۰۸.
- جلالی، محمود، صادقی محمدی، ستاره و بابایی، مجتبی (بهار ۱۳۹۳)، «ارزیابی تحریم‌های امریکا علیه ایران در قالب گفتمان حمایت از حقوق بشر»، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، (شماره‌ی ۱۸)، صص: ۱۱۹-۱۵۲.
- خبر آنلاین، «ایران از کدام کشورها سلاح خریده است؟»، ۱۳/۰۳/۱۳۹۵: www.khabaronline.ir
- خبرگزاری تسنیم، «ایران و چین موافقت‌نامه همکاری دفاعی - نظامی امضا کردند»، ۲۴ آبان ۱۳۹۵، به آدرس سایت: <https://www.tasnimnews.com>
- خبرگزاری فارس، ۹۳/۷/۱، فرزاد رضانی بونش، فرصت‌های همکاری ایران و چین در حوزه سیاست و اقتصاد،
- دانکوس، هلن (۱۳۶۷)، نه صلح، نه جنگ، ترجمه‌ی عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی، تهران: نشر نو.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

-دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (تابستان ۱۳۹۰)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال بیست و پنجم (شماره‌ی ۲)، صص: ۲۹۴-۲۷۵.

- روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳۹۴/۱۱/۰۴، تحول در روابط ایران و چین با امضای ۱۷ سند همکاری، به آدرس: <http://www.ettelaat.com>

- سایت تحلیلی تابناک، ۹۷/۳/۹ «انتقاد صریح و بی‌سابقه ولایتی از برجا»
[/http://www.tabnak.ir/fa/news/804110](http://www.tabnak.ir/fa/news/804110)

- سایت عصر ایران به نقل از پایگاه داده‌های خریدهای تسلیحاتی موسسه سیپری
www.asriran.com/fa/news/472038

-ستوده، محمد و ایبا، حمید (زمستان ۱۳۹۱)، «مطالعه‌ی حقوقی چالش‌های حقوق بشری امریکا و ایران»، مطالعات حقوقی دولت اسلامی، سال اول، (شماره‌ی ۲۰)، صص: ۶۷-۱۰۶.

- سلطانی‌نژاد، احمد و دیگران (زمستان ۱۳۹۱)، «سیاست چین در مناقشه‌ی هسته‌ای ایران و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، (شماره‌ی ۴)، صص: ۱۴۳-۱۷۰.

- شریعتی‌نیا، محسن (تابستان ۱۳۹۱)، «عوامل تعیین‌کننده‌ی روابط ایران و چین»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال چهاردهم، (شماره‌ی ۲)، صص: ۲۱۰-۱۷۹.

- شفیع‌فر، محمد (زمستان ۱۳۸۱)، «حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر روابط امریکا و ایران»، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال ششم، (شماره‌ی ۱۵)، صص: ۱۶۷-۲۰۷.

- ظهیری‌نژاد، مهناز (۱۳۹۲)، «جایگاه انرژی در روابط ایران و چین»، در کتاب آسیا ۷: ویژه‌ی روابط ایران و چین، گردآوری و تدوین: حسین عسگریان، تهران: موسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- عزیزنژاد، صمد و سیدنورانی، محمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، «بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی»، مجلس و پژوهش، سال شانزدهم، (شماره‌ی ۶۱)، صص: ۱۶۵-۲۱۰.

- فدایی، مهدی و درخشان، مرتضی (بهار ۱۳۹۴)، «تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سال پنجم، (شماره‌ی ۱۸)، صص: ۱۱۳-۱۳۲.

-کریمی‌فرد، حسین (بهار ۱۳۹۴)، «بررسی سیاست خارجی بازرگان بر اساس مؤلفه‌های هویت ملی»، فصلنامه‌ی سیاست پژوهی، دوره‌ی ۲، (شماره‌ی ۱)، صص: ۷۷-۱۱۵.

- کریمی‌کشه، سعید (بهار ۱۳۹۲)، «بررسی مقایسه‌ای نگرش ایالات متحده‌ی آمریکا و فدراسیون روسیه به پرونده‌ی هسته‌ای ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی - اسرائیل، سال چهاردهم، (شماره‌ی ۲)، صص: ۹۳-۱۱۴.
- کولایی، الهه (پاییز و زمستان ۱۳۸۵)، «سازمان شانکهای و امنیت آسیای مرکزی»، پژوهش علوم سیاسی، (شماره‌ی سوم)، صص: ۲۹-۴۶.
- کیوان‌حسینی، اصغر و دیگران (تابستان ۱۳۹۲)، «چگونگی اثربخشی مقوله‌ی نقض حقوق بشر در روابط اروپا و چین»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال پنجم، (شماره‌ی ۲)، صص: ۳۷-۶۱.
- گارور، جان (۱۳۸۸)، چین و ایران: شریکان باستانی در جهان پس از امپراتوری‌ها، ترجمه‌ی سعیده موسوی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- موسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر (بهار ۱۳۸۷)، «روابط ایران و روسیه پس از جنگ سرد»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (شماره‌ی ۶۱)، صص: ۱-۳۸.
- متقی، ابراهیم (تابستان ۱۳۷۹)، «تأثیر تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، سال سوم، (شماره‌ی ۱)، ص: ۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- معظمی، منصور و سرعتی آشتیانی، نرجس (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت با تأکید بر توسعه‌ی همکاری‌های دانشگاه و صنعت»، فصلنامه‌ی نوآوری و ارزش‌آفرینی، سال اول، (شماره‌ی ۱)، صص: ۲۵-۳۴.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ) (۱۳۹۳)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۵۷-۱۳۰۰، چاپ دهم، تهران: نشر پیکان.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر اطلاعات.
- میرترابی، سعید (۱۳۹۳)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران، چاپ سوم، تهران: نشر قومس.
- میرفخرایی، سید حسن (بهار ۱۳۹۳)، «سیاست خارجی دولت موقت: از عدم تعهد تا اصل نه شرقی، نه غربی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، (شماره‌ی ۸)، صص: ۶۱-۸۱.

- Barkin, S., Steven, E., Norrin, M., & Lobell, J. W. (2010). Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy. *Perspectives on Politics*, 8(2), 714.
- Garver, J. W. (2011). *China and Iran: ancient partners in a post-imperial world*. University of Washington Press.
- Harold, S. W., & Nader, A. (2012). *China and Iran: Economic, political, and military relations*. Rand Corporation.
- Kassianova, A. (2006). Russian weapons sales to Iran: why they are unlikely to stop. *PONARS Memo Policy*, (427).
- Lobell, S. E., Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W., & Taliaferro, J. W. (Eds.). (2009). *Neoclassical realism, the state, and foreign policy*. Cambridge University Press.
- Miraskari, S. R., Tayebi, S. K., & Barzani, M. V. (2013). An Analysis of International Outsourcing in Iran-China Trade Relations. *Journal of Money and Economy*, 8(1), 09-139.
- Mohseni, P. (2015). *Disrupting the Chessboard: Perspectives on the Russian Intervention in Syria*. Cambridge (MA): Belfer Centre, Harvard University.
- Orban, A. (2008). *Power, energy, and the new Russian imperialism*. ABC-CLIO. Westport, CT, London.
- Suresh, R. (2015). India–Iran relations: Prospects and challenges. *African Journal of Political Science and International Relations*, 9(10), pp. 379-385, October .
- Scobell, A., & Nader, A. (2016). *China in the Middle East: the wary dragon*. Rand Corporation. http://www.upi.com/Business_News/Security-Industry/2010/04/23/China-opens-missile-plant-in-Iran/UPI-82791272037022/

International Sanctions and Eastward Orientation in Iran's Foreign Relations (1989-2013)

Saeed Mirtorabi, Mohammad Yardi zadeh

Received:2019.2.3

Accepted:2019.7.8

Abstract

This article tries to study the impact of international sanctions on the orientation of the East in foreign policy of our country, from the perspective of international political economy. In the same vein, the main question of the article is that "international sanctions during the period of 1989-2013, how has caused the eastward orientation in the economic and political relations of the Islamic Republic of Iran? The hypothesis is That "the subsequent international sanctions against the country in five different areas during the period of 1989-2013, by intensifying the barriers of relations with the West, has urged the elite to decide on foreign relations in the country to strengthen political and economic relations with the East." This hypothesis has been tested in the framework of the Neoclassic Realism. The results of the article indicate that the east ward orientation in our country's political and economic relations is less than a coherent and voluntary strategy from within and more than a response to the intensification of international sanctions against our country.

Keywords: Iran, Eastward Orientation, International Political Economy, Sanction, Neoclassic Realism